**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه هشتم\_16 مهر 1398**

در جلسه گذشته عرض شد مقدمه اول مسلک اضطرار این است که حصول اطمینان از اخبار آحاد بما هی هی بسیار کم است و اطمینان حاصل شدن، شرائط دیگری را می طلبد که باید بعدا بیان کنیم. به همین منظور بر چند نکته تاکید شد، یکی این که تراث روایی موجود ما با همه ارزش زیادی که دارد، بخش از روایات صادر من المعصومین علیهم السلام است، هم روایات زیادی الان در بحث ما نیست و هم حتی کتاب های روایی که در گذشته بوده و الان نیست. شواهدی را از رجال نجاشی عرض کردیم، یکی دو مورد دیگر را هم اضافه کنم مناسب است:

رقم 524: صفوان بن یحیی؛ صنّف ثلاثین کتابا کما ذکر اصحابنا یعرف منها الان کتاب الوضو، کتاب الصلاة و .. از مجموع 30 کتابی که این راوی مشهور دارد ایشان 12 کتاب را نام می برد.

رقم 561؛ ص 215؛ عبد الله بن مغیره؛ قیل انه صنف ثلاثین کتابا و الذی رایت اصحابنا رحمهم الله یعرفون منها کتاب الضوء و کتاب الصلاة ... و له کتاب الزکاة ، کتاب الفرائض، کتاب فی اصناف الکلام. 30 تا کتاب 5 تاش را فقط می گوید

احمد بن محمد بن حسین رقم 233؛ له ماة کتاب شروع می کند کتاب ها را شمردن، 77 کتاب را می شمارد.

این ها را به مطالب دیروز ضمیمه کنید.

از جمله قرائن به کتای احتجاج طبرسی در مقدمه ، مراجعه کنید به غرر الحکم آملی مراجعه کنید، به تفسیر عیاشی مراجعه کنید؛ به دعائم الاسلام مراجعه کنید.

این ها می گویند ما اسناد این روایات را للاختصار حذف کردیم.

حال بیایید روایاتشان را با کتاب های دیگر مقایسه کنید. خیلی روایت در این کتاب ها هست که در مجموعه روایی ما نیست. در حالی که این ها بوده و با سند هم بوده است این ها سندش را حذف کرده اند. معلوم می شود در دست این هامنابعی بوده است که حتی با سند روایاتی داشتند که آمدند سند ها للاختصار حذف کرده اند.

کو آن منبعی که احتجاج طبرسی دارد؟ این معلوم می شود در دست این معاظم منابع و روایاتی بوده است که حتی با ذکر سند روایت داشته اند .

به بیان دیگر:

کتاب هایی داریم مشمتل بر روایاتی که سندش حذف شده ات و تعداد زیادی از ان ورایات در منابع دیگر ما نیست

این نشان می دهد که یک منابعی در درست این بزرگواران بوده است که به دست ما نرسیده است.

قرینه دیگر؛ به کتاب­هایی مثل نهایة مغنعه وسیله ابن همزه مراجعه کنید که این ها اصول متلقاة از معصوم می گوییم این ها متن روایت است که تشکیل ده است که شده فتوا...خیلی از این ها که ما می دانیم روایت است اما الان ان روایات را ندرایم.

قرینه دیگر؛ مقدمه تهذیب را نگاه کنید شیخ می گوید من این کتاب را نوشتم،روایات را به حدی رساندم که کتاب مقنعه را شرح کنم، و از خدا می خواهم که اگر انی کتاب تمام شد ابتدا بشرح کتاب یجتمع علی جمیع احادیث اصحابنا او اکثرهم مما یبلغ الیه جهدی

موفق هم نشده است ظاهرا یا اگر شده الان دست ما نرسیده است.

این عبارت می گوید شما روایاتی دارید که در کتاب های الان نیست.

قرینه بعدی؛ شیخ اعظم در رسائل ج 1؛ ص 162؛ بحث حجیت ظواهر، نسبت به غیر من قصد افهامه.

آنجا یک حرفی را از میرزای قمی طرح می کند خیلی قشنگ توضیح می دهد و بعد جواب می دهد. در ضمن توضیح حرف میرزا یک نکته بیان می کند که این را جواب نمی دهد معلوم می شود که این را قبول دارد و ان چیست؟

اذ کثیرٌ من الامور قد اختفت علینا بل لا یبعد دعوی العلم بانّ ما اختفی علینا من الاخبار و القرائن، اکثر مما ظفرنا بها

این را در توضیح حرف میرزا می زند ولی این را جواب نمی دهد.

شیخنا الاستاد آیت الله وحید دامت برکاته در بحث حجیت ظواهر، نسبت به این فرمایش شیخ اشکال می کندمی گوید این حرف قابل قبول نیست. فقط تنها چیزی که ما داریم، از بین رفتن کتاب های ابن ابی عمیر هست و بس. هر چه بوده الان هم هست. آن هم که خودش آمد با اتکای به حافظه روایات را آورد از طرف شیخ طوسی به ابن ابی عمیر اسناد متتعده ایی هست . پس برای ما چیز مهمی از دست نرفته است :

و لو احتمل که چیز هایی از کتاب ها از دست ما رفته است این احتمال را دفع می کنیم بالاصل. شما که می گویی از بین رفته است باید دلیل بیاوری.

من فکر نمی کنم با توجه به مطالبی که از دیروز تا الان مستند اآوردیم دیگر جای شک و تردیدی باقی بماند که کلام شیخ واقعا کلام درستی است. شما دیدید مثل بعضی از روایت مثل محمد بن مسلم نقل شده بود که 30000 روایت دارد. آن روایاتی که داشت از بین رفته است یا این کتاب هایی که امروز اشاره شد که حتی نجاشی این کتاب ها دستش نیست تا چه رسد به ما. انی مجموع قرائن بهترین شاهد است بر آن چه که جناب شیخ انصاری بیان کرده است.

آنچه که ادعای ما است این است که تراث موجود روایی اولا از نظر سند و علم رجال با اشکالاتی مواجه هستیم؛ ثانیا با غمض عین از سند:

1. روایاتی است که نقل با واسطه است .گفتمی نقل با واسطه در معرض تغییر وتبدیل است.
2. بسیاری از این ها نقل به معنا است، احتمال اشتباه در فهم راوی هست.
3. تعداد زیادی از این روایات تقطیع شده است و در این تقطیع ها احتمال از بین رفتن قرائن هست.
4. زمان صدور روایات زمان تقیه بوده است هم امام نمی توانسته تمام مطالب را بیان کند هم راوی نمی توانسته هر آن چه را شنیده است به دیگران انتقال دهد.
5. دس و تزویر و جعل
6. از بین رفتن بسیاری از کتب و روایت

این که ما می گوییم در زماننا هذا اطمینان از خود اخبار بما هی هی به وجود نمی آید منظورمان این است شیوه استنباط این روایات موجود باید فرق کند ما دچار اضطرار یم. از یک سو این مشکلات را داریم و از یک سو ناچاریم به این روایات عمل کنیم باید شیوه را عوض کنیم.

در مورد جعل دیروز یک اشاره کردم روایاتی که رجالیون شما این ها می گویند جعال هستند و از همین روات در مجامع روایی روایت است.

عنوان شاهد ص 117 رجال نجاشی رقم 300؛ ثبیت بن محمد له کتاب منها کتاب تولیدات بنی امیه فی الحدیث و ذکر الاحادیث الموضوعه

رقم 313؛ ص 122؛ جعفر بن محمد بن مالک کان ضعیفا فی الحدیث قال احمد ابن الحسین کان یضع الحدیث وضعا ویروی مجاهیل

رقم 765؛ ص 287عمر بن شمر؛ ضعیف جدا زید احادیث فی کتاب جابر جعفی ینسب بعضها الیه و الامر ملبس.

ص 129؛ رقم 332؛ در شرح جابر جعفی؛ می گوید کتاب هایی دارد این آقا و تضاف الیه (نسبت داد هیم وشد به او) رسالة ابی جعفر الی اهل البصرة و غیرها من الاحادیث و الکتب و ذلک موضوع.

رقم 793؛ عباد کوفی؛ از اصحابمان این مطلب نقل شده است که این عباد هو عباد بن یعقوب و انما دلسه ابو سمینه

این هم شاهد بر این که در تراث روایی ما اگر چه مجعولات زیادی حذف شده است ولی بالاخره موضوعات و مجعولات هست.

خلاصه ادعای ما این است که قانونگذار ما در فقه، قانونی را بیان کرده است که به تدریج بیان شده است از زمان پیامبر تا زمان امام عسگری. و در این تدریج اتکا کرده اسند نه تنها به قرائن متصله، بلکه بر قرائن منفصله و لذا شما در اصول تقیید دارید، تخصیص دارید و بسیاری از این قوانینی که بیان کرده است گفتیم الان در دست ما نیست. حال شما ممکن است بگویید ما در همین تراث موجود فحص می کنیم اگر به قرائن خلاف رسیدی مکه هیچ و الا به خود روایت عمل می کنیم .

جواب این است که با این مقدماتی که بیان شد فحث در تراث موجود کافی نیست چون احتمال این که چیز دیگری باشد هست که در دست شما نرسیده است.

مسلک اضطراری و انسدادی در این نقطه مشترک اند که این روایت باید برای شما اطمینان بیاورد و این اطمینان با خود روایت ولوبا فحص در کتاب های موجود بدست نمی آید.

بله انسدادی می گوید حال که اطمینان از این جا حاصل نمی شود و ما هم تکالیفی داریم پس مطلق ظنون حجت هست اما اضطراری می گوید مطلق ظنون حجت نیست ولی مطلق ظنون ممکن است در تجمیع قرائن قرار بگیرد تا اطمینان حاصل شود.

لذا اضطراری حتی از روایت ضعیفة السند نمی گذرد و می گوید من تنها روایتی که یقین کنم جعل است کنار می گذارم. لذا مرحوم آیت الله خویی اعلی المقامه معمولا کاری با مستدرک الوسائل و روایات ضعیفة السند ندارد. اگر با روایت صحیحه شد که شد و الا اصول عملیه . فرمول ایشان این است چون انفتاحی است.

در حالی که طبق این بیان حتی ما باید روایت اهل سنت را ملاحظه بکنیم تا چه رسد به روایات ضعیفه خودمان.

این مقدمه اول. هذا و للکلام تتمه

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.